

تبیین نظام‌مند تهدیدات ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا در گام دوم

انقلاب اسلامی ایران (با ارائه الگو بر اساس مدل استراوس-کوربین)

حسین مهدیان^۱، جلال ترکاشوند^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹

چکیده

تهدیدات ژئوپلیتیکی نوعی از تهدیدات هستند که بر اساس مؤلفه‌ها و واقعیت‌های ژئوپلیتیکی موجود، امنیت و منافع ملی کشورها مورد تهدید قرار می‌گیرند. در این میان، ج.ا.ایران با توجه به هویت و ژئوپلیتیک خاص خود، در گام اول انقلاب اسلامی در موارد متعددی مورد تهدید و حتی تجاوز قرار گرفته است؛ اما در نهایت علی‌رغم فراز و نشیب‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی-امنیتی توانسته تهدیدات شکل گرفته را دفع و حتی برخی از آن‌ها را به فرصت تبدیل نماید و در راستای شکل‌دهی به نظم ژئوپلیتیک منطقه‌ای موردنظر خود گام‌های مؤثری بردارد. اما اینک در شروع گام دوم انقلاب اسلامی، پایه‌های پیشرفت‌ها و موفقیت‌های به‌دست‌آمده در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، دشمنی دشمنان هویتی و قدرتی نمایان‌تر، عرصه‌های تهدید گسترده‌تر و افق رویارویی روشن‌تر شده است. وضعیت و شرایط کنونی و چشم‌انداز پیش‌رو در گام دوم انقلاب اسلامی، ضرورت شناخت تهدیدات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای بر ضد ج.ا.ایران را دوچندان نموده است. از این‌رو، در این پژوهش با روش تجزیه و تحلیل کیفی روند تحولات نظم ژئوپلیتیک منطقه جنوب غرب آسیا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در ادامه بر اساس روش GT مقوله‌های اصلی متن استخراج، تهدیدات موجود و در حال شکل‌گیری علیه موجودیت ج.ا.ایران و وجود انقلاب اسلامی، تبیین و بر اساس مدل نظام‌مند استراوس-کوربین، راهبردهای مؤثر برای مقابله با تهدیدات ژئوپلیتیکی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: تحولات ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا، گام دوم انقلاب اسلامی ایران.

^۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه امام علی(ع) (نویسنده مسئول) hmahdian58@gmail.com

^۲. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی - عضو هیئت علمی دانشگاه امام علی(ع)

مقدمه

غرب آسیا به سبب ظرفیت‌های بالای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، همواره مورد توجه و محل مداخله قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای بوده و بخش قابل توجهی از نظم امنیتی این منطقه و تحول در آن نیز به نحوه ورود و خروج و نوع کنش و راهبرد قدرت‌های فرا-منطقه‌ای در قبال آن بستگی دارد.

شکل‌گیری شرایط آنارشیک در منطقه، کنشگران تأثیرگذار منطقه یعنی (ایران، رژیم صهیونیستی و عربستان) را به سمت اتخاذ رویکرد رقابتی و گاهی نیز تخصیصی سوق داده است. تحلیل محور غربی، عربی و عبری از تحولات منطقه، بر فروپاشی نظم مورد حمایت آن‌ها استوار بود؛ این تحولات سبب شد مردم این کشورها علیه بحران هویتی تحمیلی از جانب حکام خود و علیه اسلام‌خواهی آنان از جانب کشورهای فرامنطقه‌ای، قیام کنند. از جمله بازیگران منطقه‌ای متأثر و تأثیرگذار در روند این تحولات می‌توان از ج.ا.ایران، عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نام برد. یکی از مبانی مخالفت با جمهوری اسلامی ایران و نگرانی از توسعه نفوذ منطقه‌ای آن، قدرت‌گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی ایران است. این امر نشأت گرفته از آن است که ج.ا.ایران در راستای اصل استکبارستیزی و پشتیبانی از محرومان و با توجه به ماهیت هویتی که دارد، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در حمایت از ملل ستمدیده داشته که نمونه بارز آن حمایت و پشتیبانی از ملت مظلوم فلسطین است. پیش از تحولات عربی سال ۲۰۱۱ میلادی، ایران تنها از طریق روابط با ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی توانسته بود نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد؛ اما با بروز این تحولات و تجزیه قدرت در برخی از کشورهای منطقه، رقابت‌های جدیدی بین ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای از جمله ترکیه و عربستان برای حفظ منافع ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک آن‌ها در سطح منطقه پدیدار شد. تلاش برای انزوای ژئوپلیتیکی ایران، فشارهای سیاسی و دیپلماتیک و جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی، فشار اقتصادی حداکثری در قالب تحریم‌ها، حمایت مادی و معنوی از گروه‌های تروریستی نیابتی در جغرافیای پیرامونی ج.ا.ایران، در پیش گرفتن رویکرد محدودسازی ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران و

در آخر تلاش برای عادی‌سازی روابط و همسویی اعراب و رژیم صهیونیستی و ایجاد یک ناتوی عربی در منطقه و همچنین ایجاد سامانه دفاع هوایی مشترک بین اعراب و رژیم صهیونیستی برای مقابله با توان موشکی و پهپادی ایران، دلایل قابل توجهی هستند که نشان دهنده رویکرد ضد ایرانی محور یاد شده برای ضربه زدن به منافع و امنیت ج.ا.ایران است؛ از این رو مسئله اصلی این پژوهش آن است که سمت‌وسوی تحولات ژئوپلیتیکی و توازن قوا در منطقه جنوب غرب آسیا و تهدیدات پیش‌روی ج.ا.ایران را تبیین و راهبردهای مقابله با آن را ارائه نماید. اهداف این پژوهش نیز عبارتند از: ۱- تحلیل روند تحولات ژئوپلیتیکی و رقابت‌های قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا در شروع گام دوم انقلاب اسلامی؛ ۲- تبیین تهدیدات پیش‌روی ج.ا.ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ ۳- ارائه راهبردهای مقابله با تهدیدات پیش‌روی انقلاب اسلامی در گام دوم.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

با بررسی‌های صورت گرفته در خصوص موضوع و محتوای این پژوهش، موارد مشابه

به شرح جدول زیر انجام گرفته است:

ردیف	نام و نشان نویسنده	عنوان مقاله و فصلنامه	نتایج
۱	امیر حیات مقدم و همکاران	عوامل ژئوپلیتیکی و سیاسی مؤثر بر راهبرد دفاعی- امنیتی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات فرا- منطقه‌ای از مبدأ سرزمینی عراق - فصلنامه علمی مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی ۱۳۹۶	این تحقیق با تأکید بر عوامل ژئوپلیتیکی اقتصادی و سیاسی مسجل نمود دشمن اصلی ایران، نیروهای فرامنطقه‌ای مثل آمریکا و گروه‌های تکفیری- تروریستی هستند که با استفاده از فضا و جغرافیای عراق، ج.ا.ایران را تهدید می‌کنند.
۲	امیر	نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا	بر اساس نتایج این پژوهش مناسب‌ترین

	قدسی	و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران- مطالعات دفاعی استراتژیک ۱۳۹۷	الگوی ایجاد نظم برای ج.ا.ایران بر مبنای «الگوی مشارکتی»، «تمدن و اقتصاد پایه» و با رویکرد «قدرت‌آفرینی نرم» خواهد بود.
۳	احسان یاری	الزامات ژئوپلیتیک و ضرورت‌های راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل- فصلنامه آفاق امنیت ۱۳۹۸	بر اساس نتایج این پژوهش التزام ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت ایران، لزوم بازدارندگی منطقه‌ای، همراهی با تحولات فناورانه نظامی بین‌المللی و عقب‌نماندن در چرخه مسابقه تسلیحاتی، از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای و ضرورت‌بخش توسعه برنامه موشکی ایران می‌باشد.
۴	حسن احمدیان	ایران و ژئوپلیتیک جدید خاورمیانه - ژورنال بالکان و شرق نزدیک ۲۰۲۱.	بر اساس این پژوهش، توضیح منطقی رفتار استراتژیک ایران و نقش فزاینده آن در خاورمیانه پس از ۲۰۱۱ با هدف حفظ موقعیت منطقه‌ای و ژئوپلیتیکی خود و مقاومت در برابر روندهای تهدید کننده "محور مقاومت" است و تلاش نمود قدرت‌های بین‌المللی را در برابر یکدیگر برای دفع تهدیدات متوازن نماید.
۵	فرانک گاردنر	شبکه‌های نیابتی مؤثر ایران در خاورمیانه - یورونیوز ۲۰۲۰	یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، ایران در مبارزه استراتژیک برای نفوذ در خاورمیانه در برابر رقیب خود، عربستان سعودی پیروز شده و یکی از عوامل مهم

این برتری، موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی آن است که قدرت مانور بیشتری نسبت به رقیب به او می‌دهد.			
---	--	--	--

مبانی نظری

قدرت و ژئوپلیتیک

هرچند برخی اشتراکات بین روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک وجود دارد؛ اما ژئوپلیتیک یک زمینه کاملاً مستقل تحلیل و تفکر استراتژیک است (دوگین^۱، ۲۰۱۹: ۳). ژئوپلیتیک، دانش روابط متقابل جغرافیا و سیاست در جهت کسب قدرت است. از این رو دال مرکزی ژئوپلیتیک قدرت است (مهدیان، ۱۳۹۲: ۴۵)؛ در واقع شاکله اصلی ژئوپلیتیک قدرت است. قدرت را می‌توان به سه صورت مادی، رابطه‌ای یا ایدئولوژیک تعریف کرد (فلنت، ۲۰۲۱: ۳). قدرت سیاسی توانایی شکل دادن و کنترل رفتار سیاسی دیگران و هدایت رفتار آن‌ها در جهت مورد نظر نهادی است که قدرت را در دست دارد. از این رو، قدرت سیاسی توانایی یک بازیگر سیاسی است برای ایجاد تغییر مطلوب در رفتار سایر بازیگران سیاسی، متقاعد کردن یا وادار کردن آن‌ها به رفتاری که در غیاب تأثیر اولی بر اوضاع عمل نکنند. هدف سیاست به دست آوردن قدرت، حفظ و تداوم آن است (لاری^۲، ۲۰۱۹: ۱۴). هر سیاستی در عرصه داخلی و بین‌المللی، تلاش برای تصاحب قدرت است و سیاست خارجی، کشمکش دولت‌ها برای نیل به قدرت می‌باشد. توسعه سیاست خارجی تحت تأثیر ملاحظات داخلی، سیاست‌ها یا رفتار سایر دولت‌ها یا برنامه‌هایی برای پیشبرد طرح‌های ژئوپلیتیکی خاص است. «لئوپولد فون رانکه» بر اولویت جغرافیا و تهدیدهای خارجی در شکل دادن به سیاست خارجی تأکید دارد؛ بنابراین قدرت مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی دولت‌هاست و آن‌ها در جهت تأمین منابع ملی خود نیازمند قدرت هستند (کاماچو^۳، ۲۰۱۸: ۸).

1- Alexander Dugin
1- Almon Laroy
2- Michelle Camacho

واقع‌گرایی تهاجمی

واقع‌گرایی تهاجمی^۱ بخشی از مکتب (نئورئالیست) نوواقع‌گرایی است که توسط «جان مرشایمر» مطرح شده است. از دیدگاه مرشایمر شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل باعث بروز رفتار تهاجمی کشورها می‌شود (مرشایمر^۲، ۲۰۰۱: ۳۰). مرشایمر نظریه خود را بر اساس پنج فرض اصلی استوار کرد:

(۱) نظام بین‌الملل آنارشیک است (هیچ قدرتی بالاتر از دولت‌ها وجود ندارد تا درگیری‌هایشان را داوری کند)؛

(۲) همه دولت‌ها دارای برخی توانایی‌های نظامی (هر چند محدود) هستند؛

(۳) دولت‌ها هرگز نمی‌توانند به‌طور کامل اهداف دولت‌های دیگر را مشخص کنند؛

(۴) دولت‌ها برای بقا بیش از هر چیز ارزش قائل هستند؛

(۵) دولت‌ها بازیگرانی منطقی هستند که به دنبال ارتقای منافع خود هستند.

به گفته مرشایمر، این شرایط «محرک‌های قوی برای دولت‌ها ایجاد می‌کند تا رفتار تهاجمی با یکدیگر داشته باشند»؛ او نتیجه گرفت که از آنجایی که کشورها نمی‌توانند با قطعیت از مقاصد حال یا آینده سایر دولت‌ها مطلع شوند، منطقی است که هر زمان که منافع امنیتی اصلی [به خصوص بقاء] آن‌ها در خطر است، با افزایش قدرت نظامی خود و اتخاذ موضعی قاطعانه از اقدامات تجاوزکارانه احتمالی جلوگیری کنند.^۳

از نظر مرشایمر در یک سیستم بین‌المللی که سرشار از عدم قطعیت در مورد مقاصد دولت‌ها، ماهیت قابلیت‌های نظامی آن‌ها و کمک دولت‌های دیگر در مبارزه با دولت‌های متخاصم است، بهترین راه برای قدرت‌های بزرگ جهت اطمینان بقای خود به حداکثر رساندن قدرت و پیگیری هژمونی است (استینسون^۴، ۲۰۱۴: ۲).

از منظر واقع‌گرایان تهاجمی، توسعه مستلزم سیاست‌های تهاجمی اقتصادی، سیاسی و نظامی خارجی برای تغییر موازنه قدرت است. از نظر آن‌ها استفاده از فرصت‌ها برای کسب

3-offensive realism

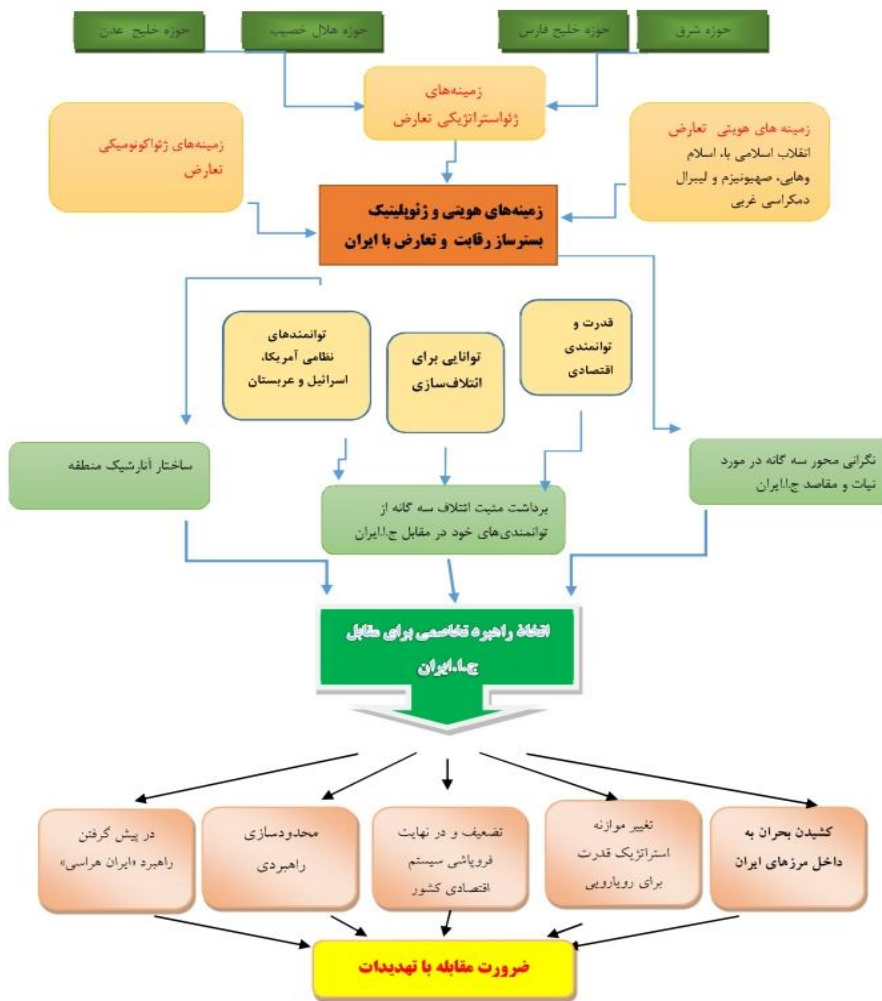
4- Mearsheimer, John

1- For more on this, see: <https://www.britannica.com/topic/offensive-realism>

2- Sverrir Steinsson

قدرت بیشتر؛ به‌دست آوردن قدرت به قیمت سایر کشورها و تضعیف رقبای بالقوه از طریق جنگ‌های پیشگیرانه یا "تاکتیک‌های تأخیری" برای کاهش سرعت صعود آنها ضروری است (لوبل، ۲۰۱۷: ۴۴).

مدل مفهومی پژوهش



3- For more on this, see:

<https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acr-efore-9780190846626-e-304>

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش برای استدلال و تحلیل یافته‌های خود از روش تجزیه و تحلیل کیفی بهره جسته است. در گام نخست، با مراجعه به منابع مختلف علمی و تحقیقاتی و درگاه‌های معتبر، با استفاده از روش فیش‌برداری، اطلاعات مورد نیاز پژوهش گردآوری گردیده است که با توصیف مبانی نظری و یافته‌های مورد نیاز، زمینه بررسی و تحلیل تهدیدات شکل گرفته بر علیه ج.ا.ایران در منطقه بر اساس مفروضات نظریه واقع‌گرایی تهاجمی فراهم گردیده است. در بخش دوم راهبردهای مقابله با تهدیدات شکل گرفته و پیش رو، ارائه شده است. ضمن اینکه با خوانش متن بر اساس روش GT مقوله‌های اصلی متن استخراج و بر اساس آن در انتهای پژوهش، مدل نهایی بر اساس مدل نظام‌مند استراوس-کوربین ارائه گردیده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

تحولات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا تابعی از ساختار قدرت در محیط بین‌المللی می‌باشد که دو بعد به هم پیوسته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، قابل بررسی است. الف- نظم جغرافیای سیاسی و دولت-ملتی (Nation-state) موجود در منطقه غرب آسیا، متأثر از توافق سایکس-پیکو است که در نتیجه تعدادی از کشورهای جدید به وجود آمدند و می‌توان بخش عمده‌ای از بحران و بی‌نظمی در این منطقه را به واقعیت‌های جغرافیایی و فرهنگی آن مرتبط دانست (مهدیان، ۱۳۹۲: ۸). از منظر نظم جغرافیای سیاسی، انقلاب اسلامی ایران در بستر دولت-ملت ایران به وجود آمده و نظام سیاسی کشور را شکل داده است.

ب- نظم ژئوپلیتیکی (نظم مبتنی بر ساختار و روابط قدرت)^۱: محور دانش «ژئوپلیتیک» «قدرت» است و نظم ژئوپلیتیکی متأثر از روابط قدرت در سطوح مختلف فروملی، ملی،

۱- یکی از ویژگی‌های مهم نظم ژئوپلیتیکی، سیالیت و تغییر جایگاه بازیگران در ساختار قدرت است و این امر ناشی از تغییر میزان قدرت آن‌هاست.

منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. از منظر نظم ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه از ساختار دو قطبی نظام بین‌الملل تا فروپاشی شوروی تأثیر پذیرفته و نیز غیر بومی بود. با اعلام نظم نوین جهانی ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ شاهد حضور آن در منطقه می‌باشیم که زمینه مداخله مستقیم را به دنبال داشت.

در بُعد درون منطقه‌ای نیز تا قبل از سال ۱۹۷۹م. کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا، متأثر از ساختار قدرت جهانی در دو طیف: ۱- مخالف رژیم صهیونیستی ۲- همسو و یا حداقل بی‌طرف نسبت به آن، قرار داشتند. در این میان، انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و گفتمان غرب را به چالش کشید و این در حالی بود که جهان در آستانه عبور از نظام دو قطبی به نظم تک قطبی بود. انقلاب اسلامی با هویت دینی خود موازنه قدرت را به ضرر رژیم صهیونیستی به دنبال آورد. اولین اقدام قطع رابطه، بستن سفارت و سایر اقدامات جمهوری اسلامی برای مقابله با تجاوزات این رژیم بود؛ علاوه بر آن وقوع انقلاب اسلامی ایران را می‌توان نقطه عطفی در حرکت جنبش‌های اسلامی معاصر محسوب کرد؛ زیرا انقلاب اسلامی با تکیه به اصول و ارزش‌های اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) توانست به شکل نهضت اسلامی و انقلابی در میان سایر دول اسلامی مطرح شود و به این شکل الگویی الهام‌بخش برای مسلمانان در سطح جهان شد. عامل مهم دیگری که سبب اقبال مسلمانان سایر کشورها به خصوص جنبش‌های اسلامی از انقلاب اسلامی ایران شد، عدم سکوت انقلاب اسلامی در برابر مواضع کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا بود و اجرای اصل نه شرقی و نه غربی و مبارزه با رژیم صهیونیستی که انقلاب اسلامی را در محور توجهات قرار داده و سبب تأثیرپذیری از آن شده است (بن^۱، ۲۰۱۶: ۲۲). تحولات ژئوپلیتیک یاد شده باعث گردید، رژیم صهیونیستی ج.ا.ایران را

مهم‌ترین تهدید ژئوپلیتیکی برای امنیت و بقا خود تلقی نموده و رویکرد خصمانه‌ای را در مقابل ج.ا.ایران در پیش بگیرد (مهدیان، ۱۳۹۵: ۱۳).

در سطح ژئوپلیتیک نظام جهانی نیز فروپاشی اتحاد شوروی و ورود به دوران گذار ژئوپلیتیکی باعث گردید، ایالات متحده تلاش خود را معطوف به پیگیری نظم جهانی تک

قطبی نمایند و این روند تا پایان دوره ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش ادامه یافت^۱. از این رو، از منظر ژئوپلیتیکی، ساختار قدرت و نظم منطقه‌ای بر اساس قدرت هژمون در مقابل قدرت هسته^۲ منطقه‌ای بود که بر اساس آن آمریکا سیاست محدودسازی ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران را پی‌گیری می‌نمود و در مقابل ج.ا.ایران نیز با پیگیری آرمان‌های نشئت گرفته از ارزش‌های هویتی انقلاب اسلامی سیاست افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی خود و تشکیل محور مقاومت را در دستور کار خود قرار داد (همان منبع).

اما با به قدرت رسیدن «باراک اوباما»، این واقعیت برای آمریکا روشن شد که از یک سو ایفای نقش «پلیس جهانی» در نظام بین‌الملل، هزینه‌های این کشور را افزایش داده و هم‌زمان با افزایش هزینه‌ها و تعدیل قدرت ژئوپلیتیک آمریکا، قدرت‌های نوظهوری از جمله چین، فرصت توسعه ژئواکونومیک قابل توجهی پیدا

کرده‌اند؛ بنابراین دکتترین «شیفت استراتژیک به سوی جنوب شرق آسیا» در دوره ریاست جمهوری «باراک اوباما» چرخشی واقع‌گرایانه در سیاست خارجی آمریکا در مقابل رشد و توسعه روزافزون قدرت ژئوپلیتیک چین بود. هدف این دکتترین، کاهش صف‌آرایی نظامی در اروپا، ترغیب متحدان در جنوب غرب آسیا به مسئولیت‌پذیری بیشتر، کاهش مدیریت شده نقش آمریکا در این منطقه و هم‌زمان رویکرد فشار حداکثری برای مهار ایران و افزایش تمرکز این کشور بر شرق آسیا برای مقابله با قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی رو به گسترش چین در این منطقه و جهان به‌عنوان مهم‌ترین رقیب آمریکا در دهه‌های آتی بود (کی^۳، ۲۰۱۳: ۱-۳).

وضعیت یاد شده فوق در کنار فرسایش ژئوپلیتیکی برخی از قدرت‌های منطقه‌ای (مانند عراق و مصر) و هم‌زمان گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران، از سوی برخی از قدرت‌های

۲- بایستی توجه داشت، علاوه بر خواست قدرت‌هایی مانند ایالات متحده برای تحمیل نظم مورد نظر خود در منطقه، بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه که خود از محصولات سایکس-پیکو هستند، به دلیل درون‌زا و مردمی نبودن قدرت و حاکمیتشان، خواستار حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه هستند.

3- Core

1- Sean Kay

منطقه مانند عربستان سعودی - که ج.ا.ایران رقیب ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی خود تلقی می‌نماید - باعث گردید، حاکمیت سعودی رویکرد تخصصی با ج.ا.ایران را در پیش بگیرد (مهدیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۸).

رقابت و اختلاف ایران و عربستان با شروع انقلاب‌های عربی، هم‌زمان با وارد کردن نیروهای نظامی امنیتی‌اش به خاک بحرین شروع شد. عربستان سعودی جمهوری اسلامی را به برهم زدن نظم داخلی و کمک به مخالفان و براندازی داخلی در بحرین متهم کرد. بخشی از این تبلیغات به‌دنبال بحران هسته‌ای ایران ایجاد شد و بخشی دیگر، ناشی از قدرت‌گیری نظامی ایران و پیشرفت تسلیحات موشکی بود (ترکاشوند، ۱۳۹۶: ۱۱۷)؛ چرا که حضور فعال ایران در مسائل منطقه‌ای، ضمن تثبیت نقش‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی در منطقه، اهمیت راهبردی ج.ا.ایران را در عرصه ژئوپلیتیک جهانی نیز افزایش می‌داد و عربستان این وضعیت را در راستای کاهش نقش و جایگاه خود ارزیابی می‌کند (آنجا^۱، ۲۰۱۴: ۹۴)؛ اما بایستی توجه نمود که ظهور الگوی جدید از رفتار سیاست خارجی عربستان سعودی که سابقه‌ای در تصمیم‌گیری‌های این کشور نداشته، علاوه بر وضعیت ناآرام و بحرانی منطقه، معلول راهبرد کلان ژئواستراتژیک ایالات متحده در راستای چرخش بلندمدت آن به سمت جنوب شرق آسیا و مهار چین قابل ارزیابی است (میرزا عبدا...، ۱۳۹۴: ۲). آمریکا و عربستان سعودی همواره در دوران جنگ سرد به دلیل نیاز استراتژیک به یکدیگر از روابط خوبی برخوردار بوده‌اند، به‌گونه‌ای که بسیاری از تحلیلگران، آن را معادله نفت در برابر امنیت می‌نامند؛ اما با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، سیاست خارجی آمریکا در قبال خاورمیانه با یک چرخش اساسی مواجه شد (کنوف، ۲۰۱۰)؛ این تغییر رویکرد با وجود دست داشتن ۱۵ نفر تبعه سعودی از بین ۱۹ نفر عامل حملات، چندان شامل حال عربستان سعودی نگردید و به گفته عامل سابق CIA «رابرت بائر»^۲ (2003)، در کتابی با عنوان «خوابیدن با شیطان»^۳ بوش از طریق جنگ با عراق، افکار عمومی را از واقعیت اصلی حملات ۱۱ سپتامبر منحرف کرد.

2- Aneja

3- Robert Baer

4- Sleeping with the Devil

البته روابط دو کشور در دوره ریاست جمهوری «باراک اوباما» تا حدودی تغییر کرد تا جایی که عمده

صاحب نظران، در بسیاری از تحلیل‌ها روابط عربستان و آمریکا را در دوران اوباما، دوران واگرایی در روابط این دو کشور توصیف می‌کنند. موضع‌گیری‌های متضاد با منافع عربستان توسط آمریکا در قبال تحولات عربی در منطقه، خارج کردن نیروهای آمریکایی از منطقه و تمرکز بر شرق آسیا^۱ و تلاش برای حل بحران هسته‌ای ایران از طریق دیپلماسی^۲ از جمله مواردی بود که دومین نشانه‌ها را در واگرایی روابط میان دو کشور نشان داد (جرویس^۳، ۲۰۱۷: ۱۸).

برخی از تحلیلگران، عامل اصلی تغییر رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده را بی‌نیازی استراتژیک آن به نفت خاورمیانه می‌دانند. در طول جنگ سرد، تلاش آمریکا برای تسلط بر خاورمیانه عمدتاً ناشی از نیاز به اطمینان از جریان بی‌وقفه منابع انرژی به آمریکا و متحدانش بود. با رشد منابع انرژی غیرفسیلی، کشف ذخایر بزرگ نفت و گاز طبیعی در خارج از خلیج فارس و افزایش تولید داخلی نفت (شل) و گاز طبیعی در خاک ایالات-متحده، از اهمیت استراتژیک منابع عظیم انرژی خاورمیانه برای ایالات متحده کاسته است (براین^۴، ۲۰۲۱: ۲). در این خصوص دونالد ترامپ رئیس‌جمهور سابق آمریکا نیز این برداشت را تکرار کرد و با یک توییت اظهار کرد: «ما دیگر نیازی به حضور مستقیم در خاورمیانه نداریم؛ زیرا آمریکا امروزه به بزرگترین تولیدکننده انرژی در دنیا تبدیل شده است» (هوسری^۵، ۲۰۱۹: ۲۳). با شرایط پیش آمده در حوزه امنیت انرژی، می‌توان گفت آمریکا در حال عوض کردن متدهای حضور در منطقه است و معادله سنتی «نفت در برابر

1- For more on this, see: Jervis, D. (2017). "Obama and the Middle East". Teka Kom. Politol. Stos. Międzynar. – OL PAN. 12/2. 31–57. See also: Celso, A. N. (2014). "Obama and the Arab Spring: The Strategic Confusion of a Realist-Idealist". Journal of Political Sciences & Public J Affairs.

2- For more on this, see; Pasha A, K. (2016). «Saudi Arabia and the Iranian Nuclear Deal». Contemporary Review of the Middle East.

3- Robert Jervis

4- Brian Katulis

5- Khalil Husari

امنیت» در روابط دو کشور به معادله «پول در برابر امنیت» - به‌عنوان سومین و مهم‌ترین نشانه‌های تغییر رویکرد سیاست خارجی آمریکا- در دوران ترامپ تغییر یافته است (نعمتی، ۱۳۹۸: ۸۹).

ترامپ با تکیه بر سیاست پول در برابر امنیت، اعلام نمود که متحدان منطقه‌ای آمریکا باید نقش مؤثرتری در قبال امنیت منطقه داشته باشند و تلاش خود را معطوف ایجاد یک بلوک میان عربستان، رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی برای محدود نمودن ایران، حفظ وضعیت موجود در برابر اصلاحات دموکراتیک و جلوگیری از گسترش اسلام سیاسی (انقلاب اسلامی) بنمایند (تامپسون^۱، ۲۰۱۸: ۲-۱). تحولات یاد شده، تغییر رقابت قدرت از قدرت هژمونیک جهانی (آمریکا)-قدرت منطقه‌ای (ایران)، به قدرت منطقه‌ای- قدرت منطقه‌ای را در پی داشته و هم اکنون رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت در منطقه جنوب غرب آسیا بین قدرت‌های منطقه‌ای (رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی) در مقابل دیگر قدرت منطقه‌ای یعنی ج.ا.ایران را در پی داشته است؛ از سوی دیگر فضای هرج و مرج و آنارشیک منطقه و تجزیه ژئوپلیتیکی قدرت در کشورهای عراق، سوریه، یمن، افغانستان و...، شرایط را برای بازیگری نیروهای فروملی نیز فراهم آورده است.

بنابراین، اگرچه از نظر جغرافیای سیاسی، تاکنون نقشه سیاسی کشورهای منطقه تغییر نکرده است؛ اما از نظر ژئوپلیتیکی تغییرات محسوسی در ساختار قدرت در هر سه سطح فرمانطقه‌ای (کاهش حضور و نفوذ آمریکا)، منطقه‌ای (همسویی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در مقابل ج.ا.ایران و محور مقاومت) و در سطح ملی و فرو ملی، کاهش قدرت و حوزه اقتدار و حاکمیت در برخی کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه، افغانستان و یمن رخ داده است (مهدیان و ترکاشوند، ۱۴۰۰: ۹۸).

در این میان جنبه منفی و تهدیدزای برای ج.ا.ایران، تغییر الگوی رقابت و چالش قدرت هژمون

فرمانطقه‌ای (ایران) با قدرت منطقه‌ای (ج.ا.ایران) به الگوی رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای است که در آن الگوی رقابت ژئوپلیتیکی در بعد ژئوکالچری پر رنگ‌تر شده و نوعی

رقابت و تخاصم مذهبی (شیعه-سنی) و قومی (ایرانی-تورانی) را به وجود آورده که کمترین اثر تداوم چنین شرایطی فراموش شدن مسئله فلسطین در جهان اسلام^۱ و فرسایش ژئوپلیتیکی قدرت‌های مهم جهان اسلام در غرب آسیا و شمال افریقا بوده است.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحولات ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا عملاً به گونه‌ای است که نوعی بدبینی شدید در میان بازیگران قدرتی منطقه نسبت به اهداف یکدیگر به وجود آورده است به طوری که کوچک-ترین تحرکی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و به خصوص نظامی باعث می‌شود تا اقدام متقابل سایر بازیگران را به همراه آورد (ترکاشوند و مهدیان، ۱۴۰۰: ۹۹). تحولات نظامی-راهبردی منطقه در یک دهه گذشته تشدید احساس نگرانی در رژیم صهیونیستی و عربستان را در پی داشته است. هر دوی آن‌ها در مواضع ضد ایرانی در موضوعات مختلف از جمله توافق هسته‌ای دارای اتفاق نظر هستند و از اعاده روابط تهران با جهان احساس تهدید دارند و از همسویی منافع و اهداف پیدا کرده‌اند، همسویی سیاسی-دیپلماتیک آن‌ها در زمینه ایران‌هراسی برای منزوی کردن ج.ا.ایران به شدت افزایش داشته است؛ اما موضوع مهم‌تر برای رژیم صهیونیستی، عادی‌سازی روابط این رژیم با کشورهای عربی منطقه و دور کردن آن‌ها از ج.ا.ایران است. تحولات سال‌های اخیر منطقه نیز در راستای این رویکرد رژیم صهیونیستی بوده و روند گرایش برخی از کشورهای منطقه به سمت این رژیم را وارد مرحله جدیدی نموده است (ایرانی، ۱۳۹۴: ۱۷). البته در این میان بازیگر-محوری (اما در سایه) عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی، عربستان است. بعد از سقوط رژیم بعث عراق، انقلاب مصر و جنگ داخلی در سوریه، تلاش عربستان سعودی برای رهبری جهان عرب مضاعف گردیده است؛ این کشور به صورت هدفمند، روند سازش کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی برای تغییر موازنه قوا در مقابل ج.ا.ایران و جبهه مقاومت را در پیش گرفته است (مهدیان و ترکاشوند، ۱۴۰۰: ۱۰۰). سیاست ایران-

۲- پیگیری بی‌هزینه معامله قرن، تغییر سفارت آمریکا به بیت‌المقدس و عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی نمونه‌های آشکاری از فراموش شدن موضوع فلسطین است.

هراسی، عربستان سعودی را به وضعیتی سوق داده که بسیاری از تحلیلگران مصری معتقدند روابط غیر رسمی عربستان با رژیم صهیونیستی - از ترس ایران - از روابط رسمی مصر با این رژیم بیشتر است؛ این موضوع به جامعه مذهبی عربستان نیز گسترش پیدا کرده و امام جماعت مکه در خطبه‌های خود تهدید ایران را بیشتر از رژیم صهیونیستی معرفی می‌کنند (مرادی، ۱۳۹۳: ۴۹). ضمن اینکه در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ در آمریکا، رویکرد حمایتی واشنگتن از [همسویی] رژیم صهیونیستی و عربستان بیش از هر زمان دیگری طی دهه‌های اخیر افزایش داشته است (اندیک، ۲۰۱۹: ۴۹).^۱

امری که بایستی مورد توجه قرار گیرد آن است که هر سه طرف ائتلاف سه‌گانه آمریکا - عربستان - رژیم صهیونیستی از دو منظر هویتی و موازنه قدرت استراتژیک ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیک، ج.ا.ایران را تهدیدی برای خود می‌دانند:

الف - از منظر هویتی

هویت انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده اسلام ناب در برابر هویت صهیونیسم بین‌الملل که رژیم صهیونیستی محصول و نماینده آن است، قرار گرفته است. از این نظر رژیم صهیونیستی نسبت به انقلاب اسلامی احساس تهدید هویتی دارد. ج.ا.ایران تلاش نموده تا مشروعیت رژیم صهیونیستی را در سرتاسر جهان از بین برده و جبهه مقاومت را در برابر جبهه سازش برای مقابله با هرگونه توافق صلح با رژیم صهیونیستی ایجاد و رهبری نماید (راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۵: ۱۰).

هویت انقلاب اسلامی به‌عنوان نماینده اسلام شیعی در برابر هویت اسلام سنی وهابی که عربستان سعودی محصول و نماینده و مروج آن است، قرار گرفته است. حاکمیت سعودی همواره نگران دو موضوع هستند: ۱- ارتقاء موقعیت ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در منطقه و جهان ۲- بحران مشروعیت برای قدرت خود.

برای غلبه بر این دو مورد در گام اول رویکرد «دشمن‌سازی هویتی از ج.ا.ایران» را با اهداف زیر دنبال کرده‌اند:

1-For more on this, see:

Martin Indyk. (2019). "Disaster in the Desert: Why Trump's Middle East Plan Can't Work". **Foreign Affairs**. Available at; <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/disaster-desert>.

- (۱) دگرسازی و دشمن سازی هویتی از ج.ا.ایران (به عنوان دگر و دشمن قومی - مذهبی ایرانی-شیعی) در مقابل هویت عربی-سنی
- (۲) کسب حمایت جوامع و کشورهای اسلامی و عربی برای مقابله با ج.ا.ایران (ترکاشوند، ۱۳۹۶: ۱۴۸).

هویت انقلاب اسلامی به عنوان نماینده اسلام ناب در برابر هویت لیبرال - دموکراسی غربی که آمریکا داعیه رهبری آن را بر عهده دارد، قرار گرفته است. وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث شد تا سیاست دین محوری جایگزین رویکرد دوران پیش از انقلاب شود؛ این تغییر در زمانی به وقوع پیوست که جهان غرب در اوج گرایش به اصول و هنجارهای مبتنی بر رویکردهای [غیر دینی] سکولاریسم و لیبرالیسم به سر می برد و به همین دلیل، ج.ا.ایران در نقطه مقابل هویت و ارزش های غرب قرار می گرفت (پیریایی، ۱۳۸۷: ۷۷) و بر این اساس، ج.ا.ایران برای آن ها به عنوان «دگر» هویتی محسوب می شود؛ این به معنای وجود تضادی هویتی میان ج.ا.ایران و غرب است؛ تضادی که از هویت و هنجارهای متفاوت حاکم بر رفتار دو طرف ناشی می شود. به عبارتی آمریکا و اروپا همواره تلاش نموده اند با تکیه بر راهبردی شبیه به سیاست «سد نفوذ آمریکا در قبال شوروی سابق»، ضمن حفظ فشار بر ایران، حرکتش به سوی اهداف راهبردی را کنترل و مهار نمایند (مهدیان، ۱۳۹۶: ۱۲۵). احساس خطر اروپا و آمریکا از افزایش قدرت ایران به عنوان «دیگری» که به گفته بر ساخت گرایان «چنانچه دگر و دشمن تلقی شود، کمترین افزایش قدرت آن، تهدید در نظر گرفته خواهد شد»، باعث گردید تا قدرت های غربی دو سوی آتلانتیس (اروپا و آمریکا) که در زمان رژیم گذشته از مشوقین و حمایت کنندگان و همکاران دستیابی ایران به فناوری هسته ای بودند، پس از انقلاب و با شکل گیری هویت جدید ایران به اصلی ترین مخالفان فعالیت های هسته ای ج.ا.ایران تبدیل شوند. از نگاه کشورهای غربی، ج.ا.ایران با الگوهای خاص ارائه شده از جانب آن، «دگر هویتی» آن ها بوده و نایستی هیچ گاه به آن اندازه قدرتمند شود که قدرت تأثیرگذاری بر تحولات منطقه و دیگر مناطق جهان را داشته باشد (پیریایی، ۱۳۸۷: ۸۴).

از منظر رقابت‌های ژئوپلیتیکی و موازنه قوا نیز بین ج.ا.ایران و محور سه گانه رقابت‌های قدرتی شکل گرفته است:

۱- ایران-عربستان

مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی دو قدرت منطقه‌ای ج.ا.ایران و عربستان سعودی سبب شده است که در حوزه‌های استراتژیک، اقتصادی و ژئوکالچری تعارض و رقابت بین آن‌ها شکل بگیرد. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی میرشایمر علت اتخاذ رویکرد تخاصمی عربستان در مقابل ایران را باید در عواملی از جمله شرایط هرج‌ومرج و آنارشی حاکم بر منطقه، درک نادرست سیاسی از تحولات و رویکرد منطقه‌ای ج.ا.ایران، احساس توان مقابله (بر اساس تجهیزات نظامی، قدرت اقتصادی و نقش تعیین‌کننده در ایجاد ائتلاف‌سازی منطقه‌ای) بر علیه ج.ا.ایران جستجو نمود که در بستر تحولات ژئوپلیتیکی تعارض‌آمیز آن‌ها شکل گرفته است (مهدیان و ترکاشوند: ۱۴۰۰: ۹۸).

۲- ایران-آمریکا

از منظر ژئوپلیتیکی، ترس آمریکایی‌ها از ظهور ایران به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای، آخرین عامل مؤثر بر نگرش امنیتی آمریکا نسبت به ایران بوده است. پس از جنگ سرد بیشترین تهدیدات ضد امنیت ملی آمریکا در سطح مناطق ژئوپلیتیکی بوده و آمریکا برای تحکیم موقعیت خود در نظام ژئوپلیتیک جهانی نیازمند حضور در مناطق استراتژیک جهان بوده است (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۱۰۴-۱۰۳)؛ بنابراین از آنجا که در سیستم مبتنی بر ثبات هژمونیک، امکان حضور قدرت‌های هژمون منطقه‌ای که قدرت هژمون جهانی را به چالش بکشند، وجود ندارد؛ لذا ایالات متحده تلاش نموده است تا مانع از تبدیل شدن ج.ا.ایران به یک کشور قدرتمند در غرب آسیا شود (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۵۰). این در حالی است که در شرایط جدید که ایالات متحده آمریکا در سطح جهانی وارد رقابت‌های ژئواستراتژیک با چین شده است، موضوع ایران و مهار آن در منطقه ژئوپلیتیک غرب آسیا برای این کشور اهمیت دو چندانی پیدا کرده است (مهدیان و ترکاشوند: ۱۴۰۰: ۱۰۲).

۳- ج.ا.ایران- رژیم صهیونیستی

طی دهه اول پس از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، مهم‌ترین دغدغه برای این رژیم موجودیت و بقا بود (زرگر، ۱۳۹۴: ۶۲). پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ سبب شد که در ذهن و اندیشه صهیونیست‌ها، ایران تنها کشوری باشد که بقا و موجودیت آن‌ها را تهدید می‌کند. از این رو، رژیم صهیونیستی ایران را یک تهدید وجودی، ماهوی و نابودگر برای خود تلقی می‌کند (راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی، ۱۳۹۵: ۹) و راهبرد تخاصم در مقابل ج.ا.ایران را در پیش گرفته است. همچنین بعد از به قدرت رسیدن نتانیا‌هو، رویکرد ضد ایرانی آن‌ها افزایش یافته و ضمن تهدید مستقیم ایران همواره تلاش داشته که ایالات متحده را وارد یک اقدام نظامی بر علیه جمهوری اسلامی نماید. به ویژه بعد از توافق هسته‌ای موسوم به برجام مصرانه تلاش کرد که این توافق به شکل کامل عملیاتی نشود؛ حتی حامیانش از او می‌خواهند شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری را گسترش دهد و زمین‌های بیشتری را از تصرف فلسطینی‌ها خارج نماید (لاک، ۲۰۱۷: ۲)، شکل جدی‌تری به خود گرفته است.

لذا با توجه به کلیت شرایط موجود منطقه، آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان در زمینه‌های زیر از ناحیه ج.ا.ایران احساس نگرانی دارند:

۱- ارتقاء قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران و محور مقاومت و به تبع آن افزایش مقبولیت انقلاب اسلامی؛

۲- نگرانی از تغییر موازنه قدرت در برابر جمهوری اسلامی؛

۳- گسترش نارضایتی جهانی از اقدامات رژیم صهیونیستی در نقض حقوق فلسطینیان و به تبع آن فشار به کشورهای حامی سازش از جمله عربستان؛

۴- رویکرد مثبت جهانی نسبت به انقلاب اسلامی و افزایش قدرت نرم آن؛

۵- کاهش مقبولیت و افزایش بحران مشروعیت سیاسی داخلی در کشورهای ضد محور مقاومت.

درک مشترک عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی از تهدید ایران، راهبرد آمریکا برای محدود کردن نفوذ ایران و متحدانش و همچنین طرح آمریکایی معامله قرن، سبب شکل‌گیری مثلث عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و آمریکا شده است که در این مثلث، آمریکا به عادی‌سازی و سپس تقویت روابط عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در زمینه‌های مختلف از جمله نظامی-اطلاعاتی کمک می‌کند. «یاکو ناگل»^۱، مشاور امنیت ملی نتانیاهو (در سال ۲۰۲۰) در این خصوص می‌گوید: «عادی‌سازی روابط بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در دهه‌های گذشته یکی از بزرگ‌ترین تحولات سیاسی غرب آسیا بوده و دولت یهودی و پادشاهی عربستان به‌طور رسمی علیه دشمن مشترکی به نام ایران متحد می‌شوند (رینهولد^۲، ۲۰۲۰: ۱۰۲). مبارزه ضدایرانی کاخ سفید به همین جا ختم نشد و واشنگتن حتی پس از ترک توافق برجام، سعی در افزایش بیشتر موانع اقتصادی و تجاری ایران کرد و بر شدت تحریم‌های ثانویه افزود. همین فشارها باعث شده است که حتی برخی از امضاکنندگان توافق هسته‌ای، به‌ویژه اروپایی‌ها، شجاعت لازم برای انجام تعهدات خود و برآورده کردن منافع ایران در برجام را نداشته باشند (ونگ^۳، ۲۰۱۹: ۱۲)؛ علاوه بر این ایالات متحده از متحدین منطقه‌ای خود (عربستان و رژیم صهیونیستی) برای اعمال مؤثرتر سیاست فشار حداکثری استفاده نموده تا به حکومت اسلامی شیعی در ایران پایان دهند (گل‌سین^۴، ۲۰۱۹: ۸). در این میان عربستان سعودی بیشتر نگران قدرت‌افکنی ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس است؛ درحالی‌که رژیم صهیونیستی بر تهدید وجودی ایران مجهز به سلاح هسته‌ای تمرکز کرده است (سوکولسکی و میلر^۵، ۲۰۱۹: ۴).

از این رو طرفین این ائتلاف ضد ایرانی در همه عرصه‌ها همسو هستند؛ و در راستای فائق آمدن بر نگرانی‌های یاد شده، آن‌ها راهبردهای زیر را در پیش گرفته‌اند:

۱- راهبرد ایران‌هراسی با دگرسازی و دشمن‌سازی هویتی از انقلاب اسلامی و معرفی ج.ا.ایران به‌عنوان دشمن اعراب سنی منطقه و هویت و ارزش‌های غربی (مهر عطا، ۱۳۹۵:

2-Yaakov Nagel

3- Jonathan Rynhold

4- Edward Wong

1-KathyGilsinan

2- David Miller and Richard Sokolsky

۱۲۴). در این میان صهیونیست‌ها به دنبال این هستند تا جنگ روانی عرب علیه عجم را با آمیختن چاشنی شیعه-سنی و حتی ترک در برابر فارس را علیه ایران به کار ببرند (مهدیان و ترکاشوند: ۱۴۰۰: ۱۰۲)؛

۲- تغییر موازنه استراتژیک قدرت برای رویارویی نظامی احتمالی آینده با ج.ا.ایران از جمله از طریق: تشکیل یک اتحاد نظامی (ناتوی عربی) (آهیا، ۲۰۲۰: ۴)^۱ و طرح دفاع هوایی مشترک اعراب و رژیم صهیونیستی (ساب، ۲۰۲۲: ۵)^۲؛

۳- ایجاد انزوای ژئوپلیتیکی (منطقه‌ای و جهانی) و محدودسازی راهبردی ج.ا.ایران به-عنوان بازیگر اصلی محور مقاومت و به حاشیه بردن این کشور از مناسبات منطقه و عقب راندن آن تا مرزهای خود؛

۴- فرسایش ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران از طریق وارد کردن کشور در انواع بحران‌های ژئوپلیتیکی در جهت تضعیف و در نهایت فروپاشی سیستم اقتصادی کشور تا مرحله ناکارآمد نشان دادن نظام و از دست رفتن پشتوانه مردمی نظام و انقلاب اسلامی؛

۵- کشیدن بحران به داخل مرزهای ایران و تضعیف نظام و در نهایت ضربه زدن به نظام ج.ا.ایران در داخل مرزهای آن.

بایستی توجه نمود راهبردهای فوق تطابق نسبتاً کاملی با راهبردهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران دارد.

3-For more on this, see: Ahiya, Raved, (2020) Arab NATO: Goals, challenges, <https://theiranproject.com/blog/2018/08/03/arab-nato-goals-challenges>.

4-For more on this, see: Saab ,Bilal Y. (2022)" Integrated Air and Missile Defense Will Enhance Security in the Middle East", <https://nationalinterest.org/feature/integrated-air-and-missile-defense-will-enhance-security-middle-east>.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

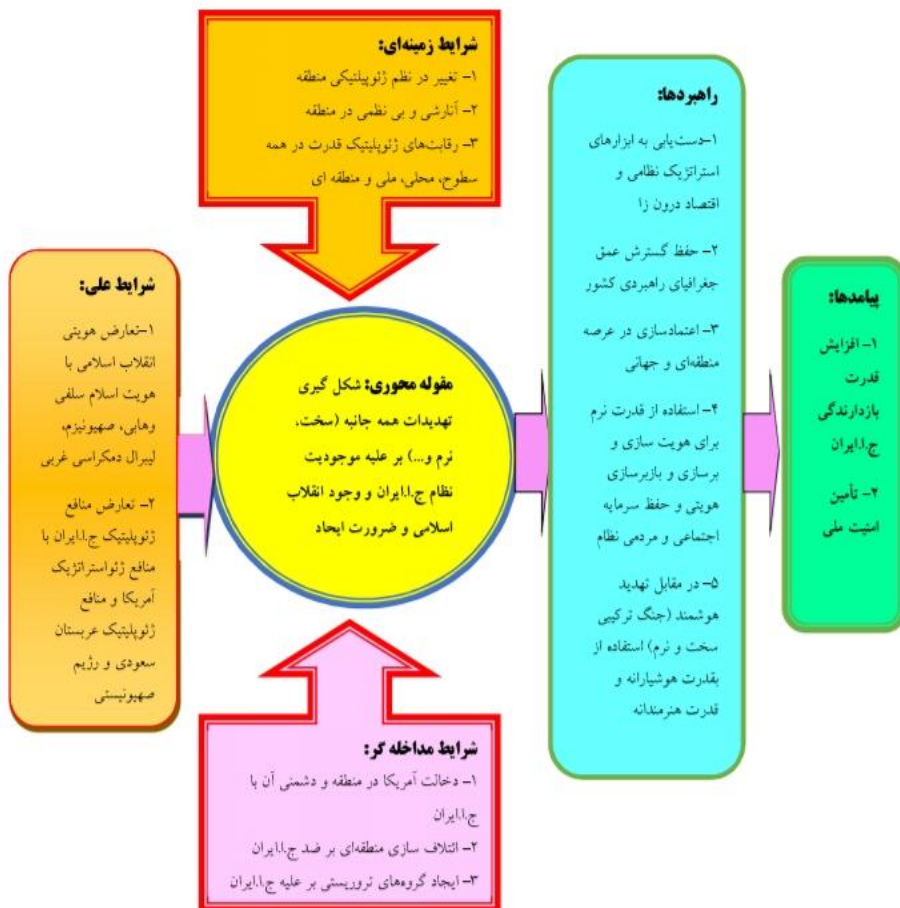
در یک دهه اخیر همزمان با تحولات ژئوپلیتیک دوران گذار نظام بین‌الملل، موازنه قدرت و نظم ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا نیز در حال تحول است. در زمان کنونی، نظم نوینی در حال شکل‌گیری است که به نظر می‌رسد این نظم در غیاب یک اصل سازمان‌دهنده مشخص در حال تکامل باشد. به جای چنین اصلی، مجموعه‌ای از تحولات هم‌پوشان، پویا و اغلب متناقض چیرگی خود را بر منطقه نشان داده‌اند که باعث پیچیدگی چشم‌انداز آن شده‌اند. در پی تحولات اخیر نیز چالش‌های امنیتی منطقه بزرگ‌تر، متعددتر و پیچیده‌تر شده‌اند و در این میان تهدیدات جدی‌تر نسبت به ج.ا.ایران و منافع علائق آن شکل گرفته است. با در نظر داشتن شرایط کنونی و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در گام دوم، ج.ا.ایران برای دست‌یابی به نظم ژئوپلیتیکی مطلوب ایران در منطقه غرب آسیا بایستی چند گام اساسی را بردارد:

- ۱- تدوین استراتژی ژئوپلیتیکی کشور که در میان‌مدت و بلندمدت پوشش دهنده حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی باشد؛
- ۲- توجه کمی و کیفی به تولید قدرت و موازنه منطقه‌ای آن. در این خصوص سامان‌دهی مؤلفه‌های قدرت برای مقابله با تهدیدات و ایجاد بازدارندگی مؤثر در راستای ترسیم نظم جدید مورد نظر ج.ا.ایران ضروری است؛
- ۳- تلاش برای مدیریت و توقف منازعات ژئوپلیتیک منطقه با تأکید بر منافع مشترک قدرت‌های اسلامی منطقه؛ این گام اساسی‌ترین حرکت برای توقف جنگ‌های نیابتی قومی- مذهبی و جلوگیری از فروپاشی ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی در بخش مرکزی جهان اسلام (غرب آسیا) است؛
- ۴- در پیش گرفتن راهبرد اعتمادسازی عزت‌مندانه در عرصه منطقه‌ای و جهانی برای خنثی کردن سیاست‌های ایران‌هراسی مثلث آمریکایی- سعودی- صهیونیستی. در این خصوص توجه به ابعاد نرم و هنرمندانه قدرت برای شفاف‌سازی و اعتمادسازی در سیاست‌های اعلامی و اعمالی ج.ا.ایران از جمله کمک و اطمینان‌بخشی به حفظ ساختار دولت- ملت- های منطقه و کاهش هوشیارانه رویکردهایی که از طرف حاکمیت‌های موجود در منطقه

تهدید تلقی می‌گردد. در پیش گرفتن چنین رویکردی می‌تواند در بلندمدت بسترساز اثرگذاری نرم و هنرمندانه ارزش‌های انقلاب اسلامی برای حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی باشد؛

۵- تلاش برای همسویی و مشارکت اقتصادی بر اساس قابلیت‌های ژئوآکونومیکی کشورهای منطقه و تقویت جایگاه دولت‌های همسو جهت رفع خلاءهای امنیتی و در صورت موفقیت در این زمینه حرکت به سمت همسویی و مشارکت سیاسی-امنیتی. البته این امر منوط به محقق شدن گام دوم و امری است که در کوتاه‌مدت محقق نمی‌شود؛

الگوی نظام‌مند پژوهش بر اساس روش مدل استراوس و کوربین



منابع

الف) فارسی

- ایرانی، محمد (۱۳۹۴)، «رویکردهای جدید رژیم صهیونیستی در جبهه عربی»، همایش تحلیل کنش‌گری رژیم صهیونیستی و در محیط راهبردی ج.ا.ایران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- آجرلو، حسین (۱۳۹۷)، «چشم‌انداز عربستان سعودی در ۲۰۳۰؛ فراز یا فرود؟»، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بال، ر. آلن؛ پیترز، ب. گای (۱۳۸۴)، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.
- بی‌نا (تیرماه ۱۳۹۵)، «راهبرد پسابرجام رژیم صهیونیستی در قبال ایران و منطقه»، تهران: اندیشکده سیاست‌های راهبردی روشن آرا (اسرا)، گزارش راهبردی سیاسی -۵، ویرایش اول.
- بیگ‌رضایی، مجید؛ حیدری‌فر، محمدرئوف (۱۳۹۵)، «ژئوپلیتیک و بازیگری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵، ش ۹.
- پیریایی، محسن (۱۳۸۷)، «نگاه سازه‌انگارانه به تقابل اروپا و آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران»، فصلنامه رهاورد، ش ۲۰.
- ترکاشوند، جلال (۱۳۹۶)، «رویکرد دولت اوباما به نظم‌های امنیتی خاورمیانه در پرتو انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱»، پایان‌نامه مقطع دکتری، دانشگاه خوارزمی.
- ترکاشوند، جلال؛ کریمی، غلامرضا (۱۳۹۴)، «سیاست‌های راهبردی آمریکا بعد از تحولات عربی خاورمیانه ۲۰۱۱»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۳.
- حیات مقدم، امیر؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ سرور، رحیم (۱۳۹۶)، «عوامل ژئوپلیتیکی و سیاسی مؤثر بر راهبرد دفاعی - امنیتی ج.ا.ایران در مقابل تهدیدات فرامنطقه‌ای از مبدأ سرزمینی عراق»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، س هفتم، ش ۶۲.
- رحیمی، غلامعلی (۱۳۹۷)، «تولید نفت شیل آمریکا و نقش آن در بازار نفت»، ش ۱۵۷، مؤسسه مطالعات انرژی.
- زرگر، علیرضا (۱۳۹۴)، «ماهیت افراط‌گرایی اسرائیل با تأکید بر نظریه ساختار-کارگزار»، تهران: مجموعه مقالات همایش تحلیل کنشگری رژیم صهیونیستی در محیط راهبردی ج.ا.ایران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- سجادپور، سیدمحمدکاظم؛ اجتهادی، سعیده (۱۳۸۹)، «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد؛ مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، دانش سیاسی، س ششم، بهار و تابستان، ش ۱.

- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، «دولت مجازی یا واقع‌گرایی تهاجمی»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۱۷.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۹)، «کالبد شکافی مسئله هویت در خاورمیانه»، خاورمیانه پژوهی، ج سوم، نشر: دانشگاه امام صادق (ع).
- قدسی، امیر (۱۳۹۷)، «نظام ژئوپلیتیکی غرب آسیا و نظم مطلوب منطقه‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، دوره ۱۶، ش ۷۲.
- گلشنی، علیرضا؛ سهرابی، حمیدرضا (۱۳۹۳)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در قیف ژئوپولیتیک غرب آسیا»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۸.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: سمت.
- مهرعطا، رضا (۱۳۹۵)، «ایران و عربستان سعودی رویکرد تقابلی-تعاملی»، مجموعه مقالات همایش تحولات ژئوپلیتیک غرب آسیا با تأکید بر امنیت منطقه‌ای، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- مرادی، روح‌الله (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی و منافع ملی ایران و عربستان در عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- مهدیان، حسین (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک و امنیت ملی ج.ا.ایران، تهران: انتشارات دافوس ارتش.
- مهدیان، حسین؛ ترکشوند، جلال (۱۴۰۰)، «راهبردهای بازدارندگی ج.ا.ایران در گام دوم انقلاب اسلامی ایران»، مجموعه مقالات دومین همایش گام دوم انقلاب اسلامی، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
- میرزاعبدالله، علیرضا (۱۳۹۴)، «سیاست درست ایران علیه عربستان چیست»، سایت خبری-تحلیلی فرارو، کد خبر: ۲۵۲۰۳۷، ۱۶ آبان ماه.
- مهدیان، حسین (۱۳۹۲)، «نمایه راهبردی تحلیل تحولات نظم ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا»، گروه ژئوپلیتیک پژوهشکده امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی، س پانزدهم، ش ۱۲۵.
- مهدیان، حسین؛ آقاحسینی، علیرضا؛ علی‌حسینی، علی (۱۳۹۵)، «تحلیل بازدارندگی توانمندی‌های هسته‌ای ایران»، فصلنامه دفاعی-راهبردی اندیشه نوین، س اول، ش ۱.
- نعمتی، امیرحسین؛ مهدیان، حسین (۱۳۹۸)، «تحلیل جایگاه قدرت نظامی در تأمین بازدارندگی ملی»، دو ماهنامه اطلاعات راهبردی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، س سیزدهم، ش ۱۳۱.
- یاری، احسان (۱۳۹۸)، «الزامات ژئوپلیتیک و ضرورت‌های راهبردی برنامه موشکی جمهوری اسلامی ایران در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۱۲، ش ۴۲.

(ب) انگلیسی

- Ahiya, Raved, (2020) "Arab NATO: Goals, challenges, <https://theiranproject.com/blog/2018/08/03/arab-nato-goals-challenges>.

- Aneja, A. (2014). "Saudi Arabia-Iran Cold War after the Arab Spring: Implications for Gulf-India Ties", Gulf Research Center, available at: <http://www.grc.net>
- Ahmadian, Hassan (2021) "Iran and the New Geopolitics of the Middle East: In Search of Equilibrium", Journal of Balkan and Near Eastern Studies <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/19448953.2021.1888247>.
- Brzezinski, Z., and John J. M. (2005) "Clash of the Titans", Foreign Policy 146 (January/February): 46-51.
- Benn, Aluf (2016) "Overcoming Fear an Anxiety in Tel Aviv: How Israel Can Turn Egypt's Unrest in to an Opportunity", in: The New Arab revolt: What Happened, What it Means, What Comes Next? New York: The Council on Foreign Relations, Foreign Affairs.
- Camacho, Michelle (2018), "Foreign Trade: U.S. International Trade Data", <https://www.census.gov/foreign-trade/data/index.html>.
- Dugin, Alexander (2019), Geopolitics: Theories, Concepts, Schools, and Debates: <https://www.geopolitica.ru/en/article/geopolitics-theories-concepts-schools-and-debates>
- The Woman at the Center of Thunap's Iran Policy (2019) Gilsinan, Kathy-iransanctions-mandelker/۰۷/۲۰۱۹ <https://www.theatlantic.com/politics/archive/>
- Gardner, Frank (2020) "Iran's network of influence in Middle East", <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-50324912>
- Husari, Khalil (2019) "Oil Shale Development in the United States_ Prospects and Policy Issues-RAND, Neurotherapeutics volume 16, pages 685-702.
- Indyk, Martin (2019). "Disaster in the Desert: Why Trump's Middle East Plan Can't Work". Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2019-10-15/disaster-desert>.
- Jervis, Robert (1999) "Realism, Neoliberalism, and Cooperation: understanding the debate" International Security'. Summer, 24(1) .
- Knopf, J. W. (2010) "The Fourth Wave in Deterrence Research", Contemporary Security Policy, Vol. 31, No.1
- Kay, Sean (2013), America's Asia Pivot – A Return to Realism?, Centre for International Peace and Security Studies, McGill University, Available Online at: <https://www.ciaonet.org/catalog/30981>.
- Katulis, Brian (2021) "Seeking a New Balance for U.S. Policy in the Middle East", Foreign Policy and Security, <https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2021/09/07/503429/seeking-new-balance-u-s-policy-middle-east>.
- Lake, E. (2017). Trump Looks for Opportunities in the Middle East Crisis, Peace between Israelis and Palestinians, <https://www.bloomberg.com/view/articles>.
- Laroy, Almon (2019). Understanding Deterrence, RAND Corporation, Expert insights on a timely policy issue: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE295.html>
- Mearsheimer, John J. and Stephen W. (2003). 'An Unnecessary War', Foreign Policy 134 (January/February): 51-59.

- Mearsheimer, John J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: W. W. Norton.
- Miller, David and Sokolsky , Richard (2019), Saudi Arabia and Israel are pushing US to confront Iran. Trump shouldn't take the bait, CNN: <https://amp.cnn.com/cnn/2019/05/21/opinions/israel-saudi-arabia-iran-opinion-miller-sokolsky/index.html>
- Rynhold, Jonathan(2020)" The transformation of Saudi-Israeli relations", *Israel Affairs*: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13537121.2020.1832320>.
- Saab ,Bilal Y. (2022)"Integrated Air and Missile Defense Will Enhance Security in the Middle East", <https://nationalinterest.org/feature/integrated-air-and-missile-defense-will-enhance-security-middle-east>.
- Thompson ,Jack (2018). "Trump's Middle East Policy". *CSS Analyses Security Policy*. No, 233.
- Steinsson, Sverrir (2014). John Mearsheimer's Theory of Offensive Realism and the Rise of China, *E-International Relations* : <https://www.e-ir.info/2014/03/06/john-mearsheimers-theory-of-offensive-realism-and-the-rise-of-china>.
- Waltz, K. (1990). 'Realist Thought and Neorealist Theory', *Journal of International Affairs* 44 (1): 21-37.
- Wong, Edward(2019) "Citing Iranian Threat, U.S Sends Carrier Group and Bomber to Persian Gulf, Available at: <https://www.nytimes.com/2019/05/05/middle-east/us-iran.html>